

دیکتاتوری دینی

دکتر محمد فرید یونس

در قرون وسطی عیسویان به اساس رهبری و تسلط کامل کلیسا زندگی میکردند. کلیسا همه زندگی مردم را اداره میکرد؛ چه بخورند، چه بپوشند، چه بگویند و چه نگویند. تمام زندگی مردم در اسارت کلیسا بود. به اندازه ترس و وحشت و تاریکی را کلیسا به وجود آورده بود که این دوره را در تاریخ اروپا «دوره تاریک» یاد می‌کنند. کلیسا به اندازه تاریک بود که هیچگونه دلیل و برهان را که خلاف عقیده خود ساخته‌شان میبود قبول نه میکردند. به علم جزیی ترین اعتقاد نداشتند. داستان گالیله ایتالوی که به خاطر تحقیقات در علم نجوم و استفاده تلسکوپ (میلادی) و برایش حبس دائمی را حکم کردند و تا از جهان رفت در زندان به 1633 توسط کلیسا محکمه شد (سر برد. کلیسا برای استحکام و تحکیم قدرت خود یک مرکز دینی را به وجود آورده بود. مردم باید از مرکز دینی اطاعت میکردند. همه مسایل باید از طریق کلیسا حل و فصل می‌شد و همه راههای عقلی، استدلال و برهان کفر و بدعت بود. درین زمان بود که اروپایی‌ها همه مطالب علمی و فلسفی را از یونانی‌ها و مسلمانان می‌آموختند و از خود حق تشبث علمی و عقلی را نداشتند. این حالت باعث شد تا مردم در مقابل کلیسا شورش کنند و تسلط کلیسا را در هم شکنند و اروپا به کمک علم و معرفت مسلمانان شامل دوره مشهور رنسانس شد سال بعد از عیسویت عرض اندام کرد و مطلق بر خلاف کلیسا عمل نمود. با اینکه اسلام ابدأ 622 میلادی عیسویان را مشرک و کافر نگفت و اما تغییرات بنیادی را در جامعه بشری برای کرامت انسانی پیشکش نمود اول، اسلام زیر بنای دین را به اساس آیه مبارکه «إقراء» یعنی بخوان که وحی اول قرآن بود، علم قرار داد. بدین ترتیب باید یک مسلمان هر موضوع را از دید علمی می‌دید. نتیجه اینکه، در تاریخ تمدن میخوانیم که بین میلادی زمانیکه اروپا در تاریکی به سر میبرد مسلمانان در ساحه علمی پیشرفت شایان نمودند. 1200 الی 900 این پیشرفت به خاطر آزادی عقل و فکر و تفکر بود

دوم انسان را مسئول اعمال و کردار خودش و تنها مسئول نزد خداوند ساخت نه یک ارگان به نام مرکز دینی یا مسجد و یا دیگران. انسان را خود مختار در امور زندگی‌اش دانست. بدین ترتیب انسان یک موجود مستقل شد و خودش بار دوش گناه و ثواب را به عهده گرفت. هیچ کس مسئول کسی دیگر نیست. حتی که اصول را تعقیب نکند، کافر و مشرک شمرده نه می‌شود. تنها گناهگار محسوب میگردد اما تنها در نزد خداوند نه مردم و بعد نزد قانون. مردم حق قضاوت را ندارند و مکلف نیستند گناه دیگران را به دوش گیرند و مردم هم این حق را ندارند تا دیگران را به کفر گیرند و متهم به گناه کنند. اسلام به انسان آزادی بخشید و خودش را مسئول ساخت نه مردم و نه یک مرکز دینی را. در کتاب «اسلام در تاریخ جهانی» اثر دکتر نذیر احمد، شهروند هندی و مقیم ایالات متحده آمریکا که ترجمه فارسی آن توسط دانشمند گرامی جناب محمد نعیم مجددی میخوانیم که «اسلام اشعار (باز در 16 میداشت که انسان‌ها آزاد بدنیا آمدند و به جزء الطاف الهی به چیز دیگری مدیون نیستند» (صفحه همین کتاب میخوانیم «دین اسلام به مسلمانها آموخته بود که انسان‌ها آزاد بدنیا آمدند نه باید به جزء در برابر 42 خداوند به مقام و یا شخص سر فرو آورند» (صفحه

حضرت عمر (رض) فرموده است "از روی چه مردمان را بنده میسازید درحالیکه مادران شان آنها را آزاد زاده اند." حضرت علی (رض) فرموده است "تمام مردم آزاد آفریده شده اند، مگر کسانی که از روی اختیار بردگی را برای خود پذیرفته‌اند". این است مقام آزادی انسان در اسلام

سوم اسلام مرکزیت دینی را اجازه نداد تا کسی مسئول یک دستگاه دینی و یا مذهبی گردد. بدین ترتیب راه دیکتاتوری دینی را که در عیسویت رواج داشت، مسدود ساخت

نظام اسلام از انسان یک موجود آزاد، مستقل و خود مختار ساخت و قرآن به وضاحت گفت که در دین اجبار نیست

برعکس عیسویت، اسلام از نگاه سوسیو پولیتیک یعنی رابطه اجتماع با سیاست اجتماعی سه مطلب را برای مردم مطرح ساخت که مردم به تشبث خود اقدام کنند

اول خواست تا مردم مدنی شوند و از طریق آموزش و پرورش از قانون به تشبث خود پیروی کنند

دوم به اساس اخلاق مدنی با هم رابطه داشته باشند نه خلاف اخلاق. پس توهین و اهانت و به کفر بستن مردم را منع قرار داد و محمد (ص) گفت من برای تکامل مکارم اخلاق آمده ام

سوم خود عادل باشند و عدل را اول از خانواده خود شروع کنند و قرآن درین زمینه گفت که در بین مردم با عدل حکم کنید

وظیفه یک دولت اسلامی تحمیل دین نیست و اینکه در عربستان و ایران دین را به نام اسلام تحمیل کرده‌اند خلاف حقیقت اسلام است. این اسلام نیست، دیکتاتوری است و دین اسلام دیکتاتوری نیست. وظیفه اساسی یک دولت و نظام اسلامی قرار ذیل است

اول آموزش و پرورش مردم به اساس علمی

دوم امنیت تام کشور از نگاه امنیتی؛ سیاسی و اقتصادی

سوم قرار داد های امنیتی و اقتصادی با غیر مسلمانان

چهارم انفاذ قانون که به اکثریت آراء آن قانون پاس شده باشد نه اینکه دولت خود بدون مشوره مردم قانون بسازد پنجم معرفی نماینده های دولت به دیگر ممالک

اگر یک دولت اسلامی دین را بالای مردم تحمیل می‌کند آن دولت ظالم است و از اسلام به دور است. هیچ دولت اسلامی حق ندارد که سر مردم ریش بگذارد و یا به زور زنان حجاب کنند

وقتی که اولین وظیفه دولت آموزش و پرورش باشد، زن و مرد مسلمان به تشبث خود احکام را پیروی میکند نه اینکه تحمیل شود

امروز در افغانستان دیده می‌شود که یک عده قوم پرستان که همیشه دست شان با طبقه مذهبیون یکی بوده

میخواهند دین را بالای مردم بقبولانند به نام اینکه ما حکومت اسلامی می‌خواهیم. حضرت رسول کریم (ص) به

معیار امروزی کدام دولت و حکومت نداشت. مواد پنجگانه که در بالا ذکر کردم سلطه سیاسی حضرت محمد

مصطفی (ص) را می‌ساخت و بس. در هیچ برگه تاریخ اسلام دیده نمیشود که مردم را به زور به نماز و یا حجاب و یا روزه و ادا کرده داشته باشد. زمان خلفای راشدین هم دیگر نیست که ما خلیفه داشته باشیم و اما از اخلاق

سیاسی و اجتماعی خلفای راشدین زمامداران امروزی بسیار می‌توانند بیاموزند

امیوارم طبقه جوان که آینده کشور را می‌سازند به این موارد توجه کنند تا ما بتوانیم یک نظام سیاسی که به

اساس عدالت اجتماعی برای همه زن و مرد، همه اقوام نه یک نظام اسلامی فاشیستی که چند قوم پرست

میخواهند به نام اسلام مردم را فریب دهند و یک دیکتاتوری جدید را روی کار بیاورند به نام دین چنانچه

در عربستان و ایران به نام دین اسلام، به وجود آورده اند

در اسلام هر کس که مسلمان است از نگاه قانون با هم مساوی است. آنهاییکه مسلمان نیست هم از نگاه قانون با

مسلمانان مساوی هستند زیرا وقتی که اسلام از عدالت اجتماعی صحبت می‌کند همه را در بر میگیرد نه تنها

مسلمانان را. زیرا مردم غیر مسلمان در خلقت برادر مسلمان است و این از سخنان حضرت علی (رض) است.

و مهمتر اینکه از نگاه اجتماعی و سیاسی در شروع قرآن می‌گوید «رب العلمین» نه اینکه رب المسلمین گوید.

دین اول یک هدایت است برای رستگاری. هر کس نظر به خود از آن بهره میگیرد. اگر در بعضی موارد

اصول را تعقیب نمی‌کند در حالیکه ادعای اسلامیت می‌کند خودش نزد پروردگار مسئول است نه دیگران. و

دیگران هم حق به کفر بستن و توهین و اهانت هیچکس را ندارند. دوم دین یک مسله فکری و تعقلی و کار دل

است نه ظاهری

چهار روز بعد رمضان مبارک شروع میشود. در دین اسلام بسیار بی تربیگی است اگر کسی از یک شخص

سؤال کند که روزه داری؟ زیرا روزه یک موضوع مطلق شخصی و رابطه انسان با خداوند است. این است

کرامت انسانی، آزادی و ایمان داری در اسلام

رمضان کریم

2017، 22 می